

گفت‌وگویی با دکتر حسام‌الدین ارفعی



معاون پیشین پژوهشی و تحصیلات تکمیلی

نادر حیدری

دکتر حسام‌الدین ارفعی که از آغاز پیدایش سِمَت معاونت پژوهشی، عهده‌دار این سمت بوده و اخیراً نیز مسئولیت ریاست پژوهشکده‌ی ذرات و شتابگرها و همکاری با سِرِن را نیز پذیرفته است. به دلیل این مشاغل زیاد و زحمات همراه آنها کار معاونت پژوهشی اینک به دکتر محسن علیشاهیها محول شده است. به نشانه‌ی این تغییر و تحول و برای قدردانی از زحمات دکتر ارفعی در ۱۵ آبان ۱۳۸۸ مراسم کوچکی برگزار شد و لوح یادبود و هدیه‌ای به دکتر ارفعی اهدا شد. دکتر لاریجانی به مسئولیت‌های متعدد دکتر ارفعی و اهمیت کار معاونت پژوهشی اشاره کرد و اضافه کرد پژوهشگاه هنوز به دانش و زیرکی دکتر ارفعی در مواجهه با وضعیت‌های پیچیده‌ی آینده نیاز دارد. دکتر علیشاهیها که پیش از این مسئول ارزیابی کار پژوهشی پژوهشگران بوده است و در این سِمَت با دکتر ارفعی کار کرده است.

معاونت دانشجویی وزارت علوم، با معاونت آموزشی وزارت علوم وارد تعامل می‌شدند تا بتوانیم برنامه‌های آموزشی مربوط به دانشجویان خودمان را پیش ببریم، حقوق‌شان را بگیریم، مطمئن شویم که سیستم‌شان درست کار می‌کند و برنامه‌های درسی‌مان مطابق روال باشد، برنامه‌هایی که پیشنهاد می‌کردیم تعقیب کنیم و کارهای مختلفی که همه‌ی دانشگاه‌ها در معاونت پژوهشی انجام می‌دهند یا در معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی در این معاونت متمرکز شود.

اینها که گفتید همه به دانشجویان مربوط می‌شود، جنبه‌های اجرایی سیاست‌گذاری کدام هستند؟

موارد اجرای سیاست پژوهشی کمتر پیش می‌آید. مثلاً یک نمونه‌اش پژوهانه است که به چه طریقی ابلاغ شود، به چه طریقی پرداخت شود، زیر نظر کدام نهاد در پژوهشگاه هزینه شود. به تدریج معلوم شد که این کارها را باید معاونت پژوهشی انجام بدهد، پژوهانه را ابلاغ کند، مقدارش را تعیین کند و غیره. یکی دیگر مثلاً بررسی مسئله‌ی ارزیابی کیفی و کمی پژوهشگاه است. چه کسی باید این کار را انجام دهد؟ بالاخره نهادی لازم است تا این کار را انجام دهد و حتماً هم باید زیر نظر هیئت علمی باشد. یکی دیگر از وظایفی که معاونت پژوهشی بر عهده گرفت همین ارزیابی یا لااقل تهیه‌ی مواد خام ارزیابی بود،

آقای دکتر، چند سؤال خیلی ساده دارم که فکر می‌کنم قبلاً هم احتمالاً شما در باره‌شان صحبت کرده‌اید. یکی این که اصلاً تاریخچه‌ی این معاونت پژوهشی چیست؟ به چه منظوری درست شد و کارکردش الان در پژوهشگاه چیست؟

تعداد زیادی کارهای سیاست‌گذاری علمی پژوهشگاه بود که بایست به طور متمرکز در باره‌شان تصمیم‌گیری می‌شد و پژوهشگاه محملی برای انجامش نداشت؛ مقداری از آن را دبیرخانه انجام می‌داد ولی برای ارتباط با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری لازم بود نهادی باشد که هم به مسائل سیاست‌گذاری پژوهشی پردازد و هم حائلی باشد بین پژوهشگاه و وزارت علوم تا به طور سیستماتیک به مسائل آکادمیک از جمله دانشجویی پردازد.

خوب مگر پژوهشگاه شورای سیاست‌گذاری ندارد؟

نه، منظور کارهای اجرایی مربوط به سیاست‌گذاری است. مثلاً می‌گفتند می‌خواهیم تصمیم بگیریم در این باره که فرضاً پژوهشگاه‌ها سیاست خاصی را دنبال کنند، خوب یک کسی باید از پژوهشگاه می‌رفت و با وزارت علوم در تعامل قرار می‌گرفت و نقطه‌نظرات پژوهشگاه را پیش می‌برد در حالی که تا آن موقع ما نماینده‌ی خاصی نداشتیم. مثلاً بایست کسانی می‌بودند که با

لزوماً قضاوت نهایی نه، اما دست‌کم سامان‌دهی به این ارزیابی‌ها، تشکیل کمیته‌های تهیه‌ی مدارک و آمار. اینها معلوم نبود که وظیفه‌ی کیست و لازم بود که در معاونت پژوهشی انجام شود. پیشنهاد و پی‌گیری پروژه‌های بزرگ ملی مثل گرید و شتابگر و امثالهم قسمت مهمی از مسائل مطرح بودند.

خوب به نظر می‌آید اینها امور اداری مربوط به پژوهشند؟!

اداری نیست، یعنی با جزئیات روزمره‌ی اجرایی کار نداریم ولی تصمیماتی بود که نمی‌توانست در قسمت اجرایی گرفته شود. بالای سر پژوهشکده‌ها هم بود و از پژوهشکده‌ها خارج بود، تصمیماتی بود که بر عهده‌ی پژوهشگاه بود و اینها را بر عهده‌ی معاونت پژوهشی گذاشتند. البته شاید هم کاری نکرده است یعنی از بیرون کسی نگاه کند بهتر می‌تواند بگوید ولی از داخل، خوب یک مقدار زیادی به روزمرگی می‌گذرد، پژوهش و پروژه‌ها و برنامه‌های کلی که مسیرهاشان مدون شده است و حالا سیستم خودش انجام می‌دهد.

نه آقای دکتر منظور این نیست، ولی به نظر من می‌آید وظایف این معاونت به نوعی کارهایی دیوان‌سالارانه است.

دیوان‌سالارانه هست ولی اداری نیست: تهیه‌ی اسناد و آمار است، برقرارکردن هماهنگی بین پژوهشکده‌ها -- مثلاً این که قضاوت کنیم شخص خاصی استاد هست یا نیست، نمی‌تواند فقط در داخل پژوهشکده انجام بگیرد، در هیئت ممیزه انجام می‌شود. ولی آماده کردن مدارک لازم برای این تصمیم که یک نفر باید استاد بشود یا نشود، این با معاونت پژوهشی ست.

استاد مقیم؟

استاد به معنای مقام استادی که به کسی بدهند، یعنی استادیار دانشگاه و استاد... این‌که ارتقاء بگیرد، دائمی شود. این مسائل و امثال آنها خارج از حیطه‌ی اداری است.

اما اینجا به آن صورتی که در دانشگاه‌ها هست هیئت علمی ثابت ندارد.

هیئت علمی ثابت کوچکی دارد که لااقل من شخصاً امیدوارم زیاد شود. برای آن هم باید سیستمی وجود داشته باشد که کارهایش را انجام دهد. یک قسمت از وظایف معاونت پژوهشی هم انجام این وظایف بود که پرونده‌ی عضو هیئت علمی را آماده کند تا برای قضاوت برود و بعد از این‌که در داخل پژوهشگاه قضاوت شد با خارج از پژوهشگاه و وزارت علوم برای انجام کارهای نهایی هماهنگی کند و یا کارها را تعقیب کند. این هم یک وظیفه‌ی دیگر معاونت پژوهشی است. من به‌کمک خانم‌ها نفیسه نیری و پروانه کیان‌فر که خیلی زحمت کشیدند دفترچه‌ای تهیه کردم، این دفترچه شرح می‌دهد وظایفی که ما روزانه انجام می‌دهیم چیست و مسیر کار آن چیست؟ مسیر کار را تعیین کردیم، مقداری از وظایفی را که قبلاً مورد به مورد و با روش‌های فی‌البداهه انجام می‌شد، به مسیرهای معمولی مشخصی تبدیل کردیم که هرکسی می‌تواند تعقیب کند.

کارکرد معاونت پژوهشی از اول همین بود؟ یعنی در مدتی که شما معاون پژوهشی بودید این وظایف کم و زیاد نشدند؟

هدف‌ها به تدریج روشن شد. اول بیشتر مسائل دانشجویی مطرح بود، بعد

کم‌کم مسائل تحقیقاتی و فنی و بعد هم ارتباط با خارج از پژوهشگاه. کارهای پروژه‌های ملی که داریم در نهایت باید جایی در پژوهشگاه انجام شود. وضعیت حال را دیگر باید از دکتر علیشاهیها بپرسید.

به این ترتیب معاونت پژوهشی نوعی پیوندگاه برای ارتباط بین پژوهشگاه و خارج از پژوهشگاه است؟

هم ارتباط با خارج از پژوهشگاه و هم ارتباط بین پژوهشکده‌های مختلف.

فکر می‌کنید کارکرد معاونت پژوهشی موفق بوده است؟

دست‌کم خیال می‌کنم که کارهایی انجام شده است. اگر کسی حوصله داشته باشد به این حرف‌ها گوش بدهد شاید بتواند منظم بگوید که ما چه کارهایی انجام دادیم ولی به طور فی‌البداهه و با اتکا به حافظه نمی‌توانم به شکلی مرتب به شما بگویم. این نکته را که موفق بوده است یا نه البته دیگران باید قضاوت کنند، من خوب حتماً می‌گویم موفق بوده، هیچ کس نمی‌گوید که ماست من ترش است. ولی دیگران شاید نظر مخالف داشته باشند. من می‌دانم در پژوهشگاه کسانی هستند که فکر می‌کنند اصلاً معاونت پژوهشی هیچ کاری انجام نداده، به هیچ دردی نمی‌خورد، و مزاحم پژوهشگاه بوده است.

کمی عجیب است چون کاری که مثلاً معاونت تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها انجام می‌دهد خیلی کار پردردسری است!

بله، خوب ما هم همین کار را اینجا انجام می‌دادیم. چند مشکل هم بود که هیچ وقت نتوانستیم حل کنیم. مثلاً مسئله‌ی دانش‌نامه‌ی پژوهشگاه. چیزی که وزارت علوم از ما می‌خواهد بیشتر شبیه گواهی کسب‌وکار است که باید به دیوار مغازه زد... با عکس و حرف‌های عجیب و غریبی که اصلاً هیچ ربطی به دانش‌نامه ندارد یا مثلاً برای چاپ دانش‌نامه باید نوعی قواعد امنیتی عجیب و غریب را رعایت کرد که انگار اسکناس چاپ می‌کنید. هیچ وقت نتوانستیم وزارت علوم را قانع کنیم که این مدرک دکتری که شما می‌خواهید بیشتر به درد مثلاً کسب‌وکار می‌خورد که آدم بالای سرش بزند و مردم را مطلع کند که اجازه‌ی کار دارد.

خوب مگر نمی‌تواند شبیه همان مدرکی باشد که دانشگاه‌ها می‌دهند؟ شما در دانشگاه صنعتی شریف هم هستی مگر دانش‌نامه‌ی آنجا فرقی دارد؟

امضای وزیر را می‌خواهد. خیلی از دانشگاه‌ها هم دانش‌نامه‌هاشان بی‌شبهت به گواهی کسب‌وکار نیست. آن هم بد است. اینجا می‌خواستیم یک قدم جلوتر از بقیه باشیم. ولی خوب نیروهایی هست که مهارمان می‌کنند زیادی جلو نرویم.

آقای دکتر از آغاز کار پژوهشگاه شما این کار را بر عهده داشتید؟

من که یادم رفته چند سال است. نه خیر، سال‌های اول پژوهشگاه که این معاونت نبود، از سال ۸۳ بود اگر حافظه‌ام درست کار کند. سال‌های سال قائم مقام پژوهشگاه به نیابت از ریاست پژوهشگاه بعضی از این وظایف را انجام می‌داد. سال‌های سال بعضی قسمت‌ها را هم دبیرخانه انجام می‌داد، مخصوصاً مسائل دانشجویی و آموزشی را.

حالا علت این‌که شما از این کار کنار رفتید این بود که مشغله‌تان

این است که تشخیص علمی ندارند. نمونه‌اش را هم الان شما دیدید دانشجویی که می‌خواهد سرن برود و باید پولی ودیعه بگذارد و من مجبور شدم پولش را شخصاً فراهم کنم... پژوهشگاه آن قدر اما و اگر می‌آورد، شاید به درستی قانون را باید رعایت کرد. هرچند فکر می‌کنم با حسن نیت موجود اوضاع خیلی تفاوت کرده است و امیدوارم بهتر هم بشود.

و احتمالاً سیستم اداری بیرون هم شما را خسته کرده است!

نه خیر! سیستم اداری داخل پژوهشگاه! سیستم اداری بیرون را که من به اصطلاح دندان لقش را کندم و می‌دانم که بد است.

خوب حتماً آنها هم بر دست‌وپای سیستم اداری اینجا قل‌وزنجیرهایی می‌گذارد.

بله قل‌وزنجیر که خیلی می‌گذارند، سیستم داخلی خودمان هم ناچار است مقررات را اجرا کند و پاسخگوی نظام اداری کل کشور باشد.

آینده‌ی کار را در اینجا چه طور می‌بینید؟ فکر می‌کنید به همین صورت جلو خواهد رفت؟ یعنی آیا چیزهای مثبتی هست که نهادینه شده باشد؟

نه هنوز نهادینه نشده و هنوز وابسته به اشخاص است، فکر می‌کنم هنوز سیستم ناپایداری است که امیدوارم ظرف چند سال نرم‌تر کار کند و پایدار شود.

خوب فکر می‌کنید چه باید کرد که نهادینه شود؟ یعنی جز این‌که تلاش کنید نظرات و روش‌هایی را در آدم‌هایی که با آنها در تماس هستید القا کنید و به آنها بشویند و مثلاً جمعی به وجود بیاورید با فرهنگ مشترک و متعهد به تداوم آن فرهنگ راه دیگری هم هست؟

نه خیر، راه دیگری نمی‌بینم. فکر می‌کنم راست می‌گویید غیر از اینکه فرهنگ را اشاعه بدهیم و تقویت کنیم راه دیگری ندارد. ولی دلم می‌خواهد همیشه امیدوار باشم، در این بیست سالی که پژوهشگاه تأسیس شده از روز اول این کش مکش را داشتیم. روز اول که اینجا تلاش کرد چیزی به عنوان کمک‌هزینه به دانشجویان خیلی قوی بدهد اولین سؤالی که مسئول اداری مرکز کرد این بود که خوب در مقابلش ما چه می‌گیریم. راست هم می‌گفت، حق داشت. نمی‌دانست که در کار علمی شما نمی‌پرسید چه عاید ما می‌شود. در کار علمی شما یک‌طرفه هزینه می‌کنید و با گذشت زمان عوایدش ظاهر خواهد شد. کلی طول کشید که قانعش کردیم که پولی بدهیم بدون این‌که سفته بگیریم، بدون اینکه تعهد محضری بگیریم.

آقای دکتر خیلی سپاسگزاریم، من سؤال دیگری به ذهنم نمی‌رسد، شما حرف دیگری ندارید؟

بینید، من باید از همکاری خیلی‌ها طی این فاصله‌ی زمانی که کار می‌کردیم تشکر کنم: از کارمندهایی که مستقیماً با من کار می‌کردند، خانم نفیسه نیری، خانم پروانه کیان‌فر... دبیرخانه‌ی پژوهشگاه خیلی زیاد با من همکاری کردند. رؤسای پژوهشگاه‌ها غالباً با من همکاری کردند و اگر این همکاری‌ها نبود از پس هیچ‌کدام از این کارها بر نمی‌آمدیم.

از وقتی که به مجله‌ی اخبار دادید خیلی تشکر می‌کنیم.

زیاد بود و می‌خواستید به کار پژوهشی بپردازید یا مشکلی در کار بود که خسته‌تان کرد؟

بینید من هیچ‌وقت مشکلی با کار نداشتم. ولی چند سال باید یک نفر یک کار اجرایی را انجام بدهد؟ فکر کنم دوره‌ی کار من بیش از حد طولانی شد. من از حدود ۲ سال پیش، از آقای دکتر لاریجانی خواهش کرده بودم که مرا از این کار معاف کنند. شکایت‌هایی هم بود از این‌که تعداد پست‌هایی که من داشتم زیاد است. البته در پژوهشگاه پست‌های زیادی داشتم و دست‌کم خودم فکر می‌کنم وظایفم را درست انجام دادم و هیچ باری را زمین نگذاشتم. ولی دلم می‌خواست به فیزیک برگردم در نتیجه در این مورد به آقای دکتر لاریجانی اصرار کردم. ترتیب اثر دادن به خواست من دو سال به درازا کشید. بد نیست مسئولیت‌های دیگری را که داشتم بشمارم. یکی مسئولیت پژوهشکده‌ی ذرات بود، یکی مسئولیت همکاری با سرن بود، مسئولیت پروژه‌ی شتابگر بود و یکی هم مسئولیت شبکه‌ی گرید. مسئولیت پروژه‌ی شتابگر در آن زمان فقط تلاش برای گرفتن مجوز و بودجه و امثالهم بود، من فقط تلاش می‌کردم که راه بیافتد، یعنی کاری کنم که تبدیل به پروژه بشود. خوشبختانه از وقتی که تبدیل به پروژه شد و بودجه و مسئولیت آن به پژوهشگاه ابلاغ شد من هم از آن کار کنار رفتم. مدت‌ها پیش، از دکتر لاریجانی خواهش کرده بودم حالا که گرید راه افتاده است و توانستیم مسئله‌ی CA (Certificate Authority) خودمان را در دنیا تثبیت کنیم و به نتیجه برسایم، یعنی دنیا دیگر مجوزهایی را که پژوهشگاه می‌دهد به رسمیت می‌شناسد، و قسمتی از این کار را من انجام دادم و حالا فقط قسمت فنی و ساختن گرید باقی مانده است، مسئولیت این کار را که مقدماتش آماده شده بود برعهده‌ی دکتر روحانی بگذارند. خوشبختانه ایشان موافقت کردند و حالا من دو کار بیشتر ندارم اما نمی‌دانم چرا به هر میزان که کار داشته باشم باز وقت من پر می‌شود و وقت آزاد پیدا نمی‌کنم.

سال‌های متمادی که یک نفر سر یک پست بماند احساس مالکیت به آن پست پیدا می‌کند که به تدریج منجر به بیماری‌های مختلف می‌شود. پس بهتر است پیش از ظهور بیماری از این جور پست‌ها کنار رفت. شاید هم به‌زودی بتوانم از پست پژوهشکده‌ی ذرات و سرن کنار بروم، ۹ سال است که دنبال کار سرن هستم و شاید پژوهشکده‌ی ذرات را هم بتوانم به تدریج به کس دیگری بسپارم و بروم خانه و ضرب و تقسیم کنم و نظریه‌ی ریسمان خودم را انجام بدهم.

در این مصاحبه‌هایی که برای این شماره‌ی اخبار انجام دادیم موضوع‌های مشترکی مطرح می‌شود مثلاً همین موضوع در مصاحبه با دکتر اردلان مطرح شد: دکتر اردلان در سفرشان به آمریکا متوجه شده بودند که بیشتر کارهای اداری را آدم‌هایی که تجربه دارند و سنی از شان گذشته است انجام می‌دهند. اشاره هم کردند که از وقتی پژوهشکده‌ی فیزیک دست جوان‌ترها افتاده است وضعیت کمی به هم ریخته است. نظر شما چیست؟

دکتر اردلان راست می‌گوید، باید این طور باشد، ولی خیلی آدم را خسته می‌کند. من واقعاً دارم با این سیستم کند اداری مان فرسوده می‌شوم. این سیستم اداری تشخیص علمی ندارد، هرچند که برای همکاران اداری و زحمت‌هایی که می‌کشند احترام زیاد قائم و قدرش را می‌دانم ولی واقعیت